

## پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی در نوجوانان: ارزیابی نظریه پالایش پرخاشگری\*

### Aggression and Anti-Social Behavioral in Adolescents: An Appraisal of Catharsis of Aggression Theory\*

Ebrahim Masoudnia,  Ph.D.

دکتر ابراهیم مسعودنیا\*\*


#### Abstract

One of the theories associated with anti-social behaviours to discharging of aggression and energy is Catharsis of Aggression Theory (CAT). The aim of this study was to appraise the validity of CAT in explanation of adolescents' participation in anti-social behaviours. The research was performed with causal-comparative method. Data were collected from 70 adolescents in two groups: Delinquent adolescents with anti-social behaviours (35) and adolescents with pro-social behaviours (35). The Buss and Perry Aggression Scale (BPAS) was used to evaluate aggression among the subjects. Significant differences were found between the adolescents with anti-social behaviours and pro-social behaviours regarding the aggression specially in terms of the components of aggression: anger and verbal aggression. The mean scores for the adolescents with pro-social behaviours on

#### چکیده

مطالعه حاضر باهدف ارزیابی اعتبار و توانایی نظریه پالایش پرخاشگری در تبیین علل و پیش‌بینی مشارکت افراد در رفتارها و فعالیتهای ضداجتماعی صورت گرفت. تحقیق حاضر در قالب یک طرح پس رویدادی انجام شد. داده‌های این مطالعه از ۳۵ نفر از نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی که در کانون اصلاح و تربیت یزد بسر می‌بردند و تمام شماری شدند و ۳۵ نفر از نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی که با روش نمونه‌گیری در دسترس متناسب با حجم جامعه اول و بمنظور مقایسه انتخاب شده بودند جمع‌آوری شدند. این پاسخگویان، سپس به مقیاس پرخاشگری باس و پری (BPAS) پاسخ دادند. تفاوت معناداری بین نوجوانان با رفتار ضداجتماعی و نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی از نظر پرخاشگری بطور کلی و مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی مشاهده شد. میانگین نمره افراد با رفتار موافق اجتماعی بر روی مقیاس پرخاشگری و خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی از

\* Medical Sociology, Yazd University, Yazd, I.R.Iran.

 masoudnia@yazduni.ac.ir

\* دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۶/۲۶، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۲/۲۲

\*\* دانشگاه یزد

BPAS was higher than the adolescents with anti-social behaviours. Multiple logistic regression analysis showed that the aggression and control variables explained for 76.4% of the variance in the adolescents' participation in anti- or pro-social behaviours. The present study disapproved the basic hypothesis of CAT about the adolescents' participation in anti-social behaviours as a mechanism to discharging of aggression and energy. If Catharsis of Aggression Theory was true, then the adolescents with anti-social behaviours must be more aggressive than the adolescents with pro-social behaviours. Our findings confirmed the opposite effect. The results of the present study showed that the adolescents with pro-social behaviours were more aggressive than those with anti-social behaviours.

**Keywords:** anti-social behaviour, aggression, catharsis theory.

افراد با رفتارهای ضداجتماعی بالاتر بود. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه نیز نشان داد که در حالیکه متغیرهای کنترل ۷۰/۴ درصد واریانس مشارکت در رفتار ضداجتماعی و موافق اجتماعی را تبیین نموده‌اند و ورود مؤلفه‌های سازه پرخاشگری تنها ۶ درصد از تبیین واریانس متغیر ملاک را بهبود بخشید. پژوهش حاضر فرضیه‌های اساسی نظریه پالایش را درباره مشارکت افراد در فعالیتهای ضداجتماعی به‌عنوان مکانیسمی برای تخلیه پرخاشگری و انرژی تأیید نکرده است. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی پرخاشگرتر از نوجوانان عادی باشند در حالیکه نتایج مطالعه حاضر، خلاف این فرضیه را نشان داد. یعنی نوجوانان عادی در کل پرخاشگرتر از نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی بودند.

**کلید واژه‌ها:** رفتار ضداجتماعی، پرخاشگری، نظریه پالایش.

## ● مقدمه

رفتار ضداجتماعی به شیوه‌های مختلفی می‌تواند تعریف شود: این رفتار می‌تواند براساس تشخیص‌های روانپزشکی برای مثال «اختلال بی‌اعتنایی مقابله‌ای»<sup>۱</sup>، «اختلال سلوک»<sup>۲</sup> یا «اختلال رفتار اخلاک‌گر»<sup>۳</sup> (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴)؛ یا براساس نقض هنجارهای اجتماعی و قانونی (نظیر بزهکاری و تبهکاری) و یا رفتار پرخاشگرانه (پلومین، نیتز و راو، ۱۹۹۰) تعریف شود. براین اساس، وست و فارینگتون (۱۹۷۷)، رفتارهای ضداجتماعی را شامل «جرائم مرتبط با خیانت» (دزدی و کلاهبرداری)، «جرائم پرخاشگرانه» (تجاوز، سرقت و رفتار تهدیدآمیز)، خسارت به اموال، تجاوز جنسی، جرائم مربوط به مواد و سایر اشکال (برای مثال، برهم زدن آرامش) تعریف نموده‌اند. معیار تشخیص این رفتارها در اکثر مطالعات، مدارک و اسناد قانونی و پلیس بوده است (دپتولا و کوهن، ۲۰۰۴).

اتیولوژی رفتارهای ضداجتماعی بسیار پیچیده است. نظریه‌های مختلف در روانشناسی هر

کدام با تأکید بر مفاهیم خاص، به تبیین علل این رفتارها پرداخته‌اند. این نظریه‌ها پیوستار کاملی از مکاتب روانشناختی را در برمی‌گیرند. برای مثال نظریه ناکامی - پرخاشگری (دولارد و همکاران، ۱۹۳۹)؛ نظریه روان تحلیل یا فرویدی؛ نظریه پالایش پرخاشگری (لورنز، ۱۹۶۶)؛ نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا (بندورا، ۱۹۷۳). برخی از نظریه‌ها نیز بر متغیرهای مختلفی نظیر شخصیت نوع الف، بوم پویایی، حرمت خود، جاذبه درونی و غیره (بامیستر و کمپبل، ۱۹۹۹) در تبیین رفتارهای ضداجتماعی تأکید داشتند. در این میان، برخی از نظریه‌ها نیز رفتار ضداجتماعی را به پرخاشگری مربوط دانسته‌اند. «پرخاشگری» بنا بر تعریف، عبارت از هر شکلی از رفتار است که باهدف صدمه زدن یا آسیب رساندن به موجود زنده دیگر انجام می‌شود (بارون و ریچارلسون، ۱۹۹۴). رفتار پرخاشگرانه ممکن است کلامی یا فیزیکی باشد. این رفتار بیشتر باید متوجه شخص دیگر باشد تا اشیاء غیرجاندار (ماکسول، ۲۰۰۴). قدیمی‌ترین نظریه که مشارکت در رفتار ضداجتماعی را امکانی برای تخلیه هیجانی و انرژی دانسته که با پرخاشگری همراه است، «نظریه پالایش» است. ریشه این نظریه به آثار ارسطو برمی‌گردد. وی بر این باور بود که مشاهده بازیهای تراژیک باعث می‌شود که مردم به پالایش هیجانی ناشی از احساسات ترحم و ترس پردازند (بوشمن، بامیستر و استاک، ۱۹۹۹). ایده پالایش سپس توسط زیگموند فروید مورد بازبینی قرار گرفت (ویگمن، ۱۹۸۵). وی در سال ۱۸۹۵ برای نخستین بار نظریه پالایش خود را به‌عنوان اولین سند روان درمانگری غرب، یعنی مطالعات درباره «هیستری»<sup>۴</sup> و فوبی‌ها تبیین نمود. به باور او هیجانانگیز سرکوب شده می‌توانند در فرد انباشته شوند و باعث بروز علائم روانی نظیر هیستری و فوبی‌ها گردند. در واقع عقیده فروید درباره پالایش هیجانی، پایه «الگوی هیدرولیک خشم»<sup>۵</sup> را شکل داد (گین و کوآنتی، ۱۹۷۷). بر مبنای این الگو، ناکامی به خشم و پرخاشگری منجر می‌شوند و خشم و پرخاشگری نیز به نوبه خود در درون فرد بمانند فشار هیدرولیکی در یک محیط بسته متراکم شده تا آنکه با برخی شیوه‌ها تخلیه و آزاد شود. اگر افراد به خشم خود اجازه تخلیه ندهند و آنرا در درون خود بریزند در نهایت این عمل باعث می‌شود تا با خشم پرخاشگرانه منفجر شوند (بوشمن، ۲۰۰۲). نظریه‌های نوین پالایش مبتنی بر الگوی هیدرولیک خشم هستند. مبانی اساسی این نظریه‌ها اینست که بهتر است اجازه دهیم تا پرخاشگری و خشم حتی از طریق رفتار ضداجتماعی تخلیه شود و مشارکت در اعمال ضداجتماعی شیوه‌ای مؤثر برای تخلیه انرژی و احساسات پرخاشگرانه است (بوشمن، ۲۰۰۲)؛

دیل و دیل، ۱۹۹۸).

پژوهشهای تجربی درباره رفتار ضداجتماعی که در راستای نظریه پالایش انجام شدند بسیار

متناقض هستند. دسته اول پژوهشها تأثیر پرخاشگری بر مشارکت افراد در فعالیتهای ضداجتماعی را تأیید کرده‌اند. کهلبرگ، ریکس و اسناری (۱۹۸۴) نشان دادند که پرخاشگری نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده رفتار ضداجتماعی در دوره نوجوانی و بزرگسالی است. برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که ۴۰ تا ۷۵ درصد از جوانانی که بخاطر اعمال بزهکارانه دستگیر شده بودند، مطابق با معیارهای روانپزشکی، پرخاشگر تشخیص داده شده بودند (هارینگتون و همکاران، ۱۹۹۱؛ مک کورد، ۱۹۹۱). محققان نشان دادند که رفتار ضداجتماعی بعد از اعمال پرخاشگرانه صورت می‌گیرد (فارینگتون و همکاران، ۱۹۹۰)، رفتار ضداجتماعی بعدی را پیش‌بینی می‌کند (لاپر و دیشن، ۱۹۸۳). رابطه بین پرخاشگری در سن مدرسه و مشارکت در گروههای همسالان کجرو، رفتار ضداجتماعی و سوء استفاده از مواد در نوجوانی نیز نشان داده شده است (رابین و همکاران، ۱۹۹۵). از نظر محققان رابطه بین پرخاشگری اولیه و رفتار ضداجتماعی بعدی، در مورد پسران پیش‌بینی‌کننده قویتری است (راف و ویرت، ۱۹۸۴). برخی شواهد درباره پسران آمریکایی آفریقایی تبار نشان می‌دهد که ترکیب پرخاشگری و طرد اجتماعی، بیشتر انواع شدید رفتارهای ضداجتماعی را پیش‌بینی می‌کردند (میلر - جانسون و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین محققان نشان دادند که پرخاشگری در دوره طفولیت، رفتارهای ضداجتماعی، برونی‌سازی بعدی و سوء مصرف مواد در دوره نوجوانی و جوانی (دابکین و همکاران، ۱۹۹۵)، و شروع اولیه مصرف الکل و مواد مخدر را پیش‌بینی می‌کند (بوایل و همکاران، ۱۹۹۲).

دسته دوم پژوهش‌ها، نقش پرخاشگری را در مشارکت افراد در فعالیتهای ضداجتماعی به‌عنوان مکانیسمی برای تخلیه هیجانات و احساسات پرخاشگرانه تأیید نمی‌کنند. در یکی از اولین آزمایش‌ها، هورنبرگر (۱۹۵۹) شرکت‌کنندگان، یک تذکر توهین‌آمیز از همدست دریافت کردند. سپس نیمی از شرکت‌کنندگان بمدت ۱۰ دقیقه بر روی میخی کوبیدند، فعالیتی که با روشهای تخلیه پرخاشگری شباهت دارد. نیم دیگر شرکت‌کنندگان هیچ فرصتی برای تخلیه انرژی‌شان نداشتند. سپس همه شرکت‌کنندگان فرصت یافتند تا از شخصی که به آنها توهین کرده بود انتقاد کنند. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست عمل کوبیدن میخ، پرخاشگری بعدی، یعنی شرکت در رفتار ضداجتماعی را کاهش دهد. نتایج نشان داد که افرادی که با چکش به میخ کوبیده بودند، نسبت به همدست، متخاصم‌تر بودند. در مطالعه‌ای دیگر، گین و کوآنتی (۱۹۷۷) بعد از بازبینی داده‌های مرتبط، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی نمی‌تواند به‌عنوان مکانیسمی برای کاهش پرخاشگری عمل کند.

پژوهشهای جدیدتر نیز یافته‌های مشابهی را نشان می‌دهند (بو شمن، بامیستر و استاک، ۱۹۹۹). تاوریس (۱۹۸۸) در مطالعه‌اش این عقیده را که مشارکت در رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی باعث تخلیه پرخاشگری و خشم می‌شود و افراد بدلیل پرخاشگری دست به فعالیت‌های ضداجتماعی می‌زنند رانیافت. وارن و کورلیچک (۱۹۸۱) نیز به این نتیجه رسیدند که نتایج مطالعه‌شان با فرضیه پالایش همخوانی ندارد.

نظر به تناقضات در یافته‌های تجربی درباره رابطه مشارکت در رفتارهای ضداجتماعی و نیاز به تخلیه پرخاشگری در راستای نظریه پالایش، مطالعه حاضر بر آنست که به این سؤال پاسخ دهد که «آیا نظریه پالایش می‌تواند مشارکت افراد را در رفتارهای ضداجتماعی پیش بینی نماید؟» فرض اساسی این تحقیق در چارچوب نظریه پالایش پرخاشگری اینست که اگر بین تخلیه پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی رابطه وجود داشته باشد در این صورت میانگین نمره افراد با رفتارهای ضداجتماعی بر روی مقیاس پرخاشگری می‌بایست بالاتر از افراد با رفتارهای موافق اجتماعی (افراد عادی) باشد.

### ● روش

○ تحقیق حاضر در قالب طرح پس رویدادی و بر روی ۷۰ نفر از نوجوانان در شهر یزد انجام گرفت. ۳۵ نفر از نوجوانان را افراد با رفتارهای ضداجتماعی تشکیل می‌دادند که به دلیل جرائمی همانند سرقت، نزاع، مصرف مواد مخدر، اخاذی، ورود به عنف و غیره وارد زندان و کانون اصلاح و تربیت شده بودند. بدلیل محدود بودن جامعه آماری، این گروه از نوجوانان (۳۵ نفر)، تمام شماری شدند. به منظور مقایسه این گروه با افراد عادی (نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی)، با رعایت شروط همگن سازی و هم‌تاسازی، ۳۵ نفر نیز با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. همه پاسخگویان این مطالعه را مردان تشکیل می‌دادند. ابزار جمع آوری داده‌ها، مقیاس معیار شده پرخاشگری باس و پری<sup>۱</sup> (BPAS) (۱۹۹۲) بود. مقدار اعتبار کلی ابزار اندازه گیری با استفاده از روش آلفای کرونباخ،  $\alpha = 73/32$  محاسبه گردید.

### ● ابزارها

□ ۱. مشخصه‌های اجتماعی - جمعیت شناختی: این مشخصه‌ها، شامل متغیرهای سن، میزان تحصیلات، طبقه اجتماعی، سابقه رفتار ضداجتماعی در خانواده، محل اقامت و قومیت می‌شد که با استفاده از یک چک لیست عمومی سنجیده شد. برای تعیین جایگاه اجتماعی - اقتصادی

بیماران، از روش ترکیبی و شاخص‌های تحصيلات، درآمد، شغل، منطقه مسکونی و نوع مسکن (هالینگشید، ۱۹۷۱؛ دانکن و همکاران، ۱۹۶۱؛ وارنر، میکر و ایلز، ۱۹۴۹) استفاده شد. براین اساس، ضمن ارائه پنج شاخص مذکور به ۳۰ داور، وزن ۱ الی ۵ به آنها داده شد. سپس میانگین وزنی هر عامل بترتیب زیر مشخص گردید: تحصيلات: ۴/۳، درآمد: ۴، شغل: ۳/۹، منطقه سکونت: ۲/۲ و نوع مسکن: ۱/۹. در مرحله بعد از مجموع نمرات جزئی فرد، رتبه کل فرد بدست آمد. دامنه شاخص پنج عامل مذکور، ۱۰ تا ۸۷/۸ بود. در نهایت با استفاده از روش محاسبه دامنه تغییرات، سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین مشخص گردید.

۲. پرخاشگری: برای سنجش پرخاشگری، از «مقیاس معیار شده پرخاشگری باس و پری» (BPAS) استفاده شد. سازندگان این مقیاس، ضریب همسانی درونی مواد این مقیاس را ۰/۸۹ محاسبه کردند که در دامنه قابل قبولی قرار داشت. این مقیاس توسط نگارنده به فارسی برگردانده شد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) این مقیاس برابر با ۷۳/۳۲ محاسبه شد. به منظور تعیین ساختار عاملی و اعتبار درونی مؤلفه‌های مقیاس پرخاشگری، پس از استخراج پاسخها و انجام تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) با روش چرخش واریماکس بر روی ۲۹ ماده و انجام یک مرحله آنالیز مؤلفه‌های اصلی، ۴ عامل مشخص گردیدند (جدول ۱). این عوامل و خرده مقیاسها عبارتند از: «پرخاشگری فیزیکی» ( $\alpha=0/70$ )، «خصومت» ( $\alpha=0/71$ )، «خشم» ( $\alpha=0/75$ ) و «پرخاشگری کلامی» ( $\alpha=0/72$ ). همه مواد مقیاس پرخاشگری باس و پری بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف و خیلی مخالف) درجه‌بندی شدند. همچنین، نتایج با استفاده از روش چرخش واریماکس نشان می‌دهد که عوامل پرخاشگری فیزیکی، بالاترین درصد (۱۴/۲)، و پرخاشگری کلامی، پایین‌ترین درصد (۸/۴) درصد از واریانس پرخاشگری را تبیین نمودند. از سوی دیگر، مؤلفه‌های خصومت، ۹ درصد و خشم، ۸/۶ درصد از واریانس سازه پرخاشگری را تبیین نمودند.

جدول ۱- ابعاد مقیاس پرخاشگری همراه با مقدار واریانس تبیین شده و مقدار آلفای هر بعد

مقیاس	شاخصها	عوامل	تعداد مواد	میانگین	انحراف معیار	درصد واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
مقیاس پرخاشگری باس و پری (BPAS)		پرخاشگری فیزیکی	۷	۲/۸	۰/۷۵۸	۱۴/۲	۰/۷۰
		خصومت	۹	۳/۱۴	۰/۷۱۱	۹/۰۰	۰/۷۱
		خشم	۶	۲/۸۴	۰/۵۴۸	۸/۶	۰/۷۵
		پرخاشگری کلامی	۷	۳/۱۱	۰/۴۹۵	۸/۴	۰/۷۲

## ● روش های آماری

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. ابتدا به منظور تعیین «اعتبار درونی» و اعتبار ساختار عاملی مقیاس پرخاشگری و هنجاریابی این مقیاس، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد. از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نمره دو گروه افراد با رفتارهای ضداجتماعی و افراد با رفتارهای موافق اجتماعی از نظر پرخاشگری استفاده شد. از رگرسیون لجستیک چندگانه، برای تعیین سهم متغیرهای وارد شده در الگو در تبیین واریانس متغیر تحت مطالعه و پیش بینی عضویت گروهی استفاده گردید.

## ● یافته‌ها

### ○ ویژگی‌های اجتماعی - جمعیت شناختی نمونه

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ۱۴/۳ درصد از افراد با رفتارهای ضداجتماعی بیسواد بوده‌اند در حالی که این میزان برای افراد با رفتارهای موافق اجتماعی صفر بوده است. اکثر افراد با رفتار ضداجتماعی از نظر طبقاتی در طبقه اجتماعی پایین (۶/۶۸ درصد در مقایسه با ۱۴/۳ درصد برای گروه با رفتار موافق اجتماعی) قرار داشتند. از نظر قومیت، نسبت افراد با رفتار ضداجتماعی با قومیت‌های غیرفارس (کرد، لر، ترک، عرب، بلوچ) بیشتر از گروه دوم بود (۵۷/۱ در مقابل ۱۱/۴ درصد). ۴۳/۳ درصد از پاسخگویان با رفتار ضداجتماعی روستایی بودند در حالیکه این رقم برای گروه با رفتار موافق اجتماعی صفر درصد بود. همچنین ۶۲/۹ درصد از افراد با رفتار ضداجتماعی اعلام کردند که حداقل یکی از اعضای خانواده‌شان سابقه رفتارهای ضداجتماعی داشت در حالیکه این رقم برای گروه با رفتار موافق اجتماعی ۲۰ درصد بود. میانگین سنی پاسخگویان، ۱۶/۴ سال با انحراف معیار ۱/۰۶ بود.

### ○ مقایسه افراد با رفتارهای ضداجتماعی و افراد با رفتار موافق اجتماعی با توجه به پرخاشگری

با استفاده از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای، دو گروه افراد با رفتار ضداجتماعی و موافق اجتماعی مورد مقایسه قرار گرفتند (جدول ۳). از آنجا که افراد با رفتارهای ضداجتماعی تمام شماری شده بودند از این آماره برای آزمون فرضیه آماری  $H_1: X \neq \mu$  استفاده شد. تفاوت معناداری بین میانگین نمره دو گروه از نظر پرخاشگری بطور کلی ( $t_{33} = 3/50, p < 0/01$ ) مشاهده شد.

جدول ۲- ویژگیهای اجتماعی - جمعیت شناختی پاسخگویان

میزان تحصیلات	متغیر		نوجوانان با رفتار ضداجتماعی		نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بیسواد	۵	۱۴/۳	۰	۰	۰	۰
ابتدایی	۹	۲۵/۷	۰	۰	۰	۰
راهنمایی	۱۵	۴۲/۹	۲	۵/۷	۲	۵/۷
متوسطه	۶	۱۷/۱	۳۳	۹۴/۳	۳۳	۹۴/۳
طبقه اجتماعی						
بالا	۰	۰	۰	۰	۸	۲۲/۹
متوسط	۱۱	۳۱/۴	۲۲	۶۲/۹	۲۲	۶۲/۹
پایین	۲۴	۶۸/۶	۵	۱۴/۳	۵	۱۴/۳
قومیت						
فارس	۱۵	۴۲/۹	۳۱	۸۸/۶	۳۱	۸۸/۶
سایر	۲۰	۵۷/۱	۴	۱۱/۴	۴	۱۱/۴
محل اقامت						
شهر	۲۳	۶۵/۷	۳۵	۱۰۰/۰۰	۳۵	۱۰۰/۰۰
روستا	۱۲	۳۴/۳	۰	۰	۰	۰
سابقه رفتار ضداجتماعی والدین						
بله	۲۲	۶۲/۹	۷	۲۰/۰	۷	۲۰/۰
خیر	۱۳	۳۷/۱	۲۸	۸۰/۰	۲۸	۸۰/۰

میانگین سنی: ۱۶/۴ سال (SD=۱/۰۶)

دو گروه تفاوت معناداری نیز از نظر مؤلفه‌های خشم ( $t_{33} = 4/154, p < 0/001$ ) و پرخاشگری کلامی ( $t_{33} = 2/047, p < 0/05$ ) نشان دادند. هیچگونه تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی و خصومت مشاهده نشد.

جدول ۳- مقایسه پاسخگویان با رفتار ضداجتماعی و رفتار موافق اجتماعی با توجه به پرخاشگری و مؤلفه‌های آن

سطح معناداری	T <sub>33</sub>	نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی n=۳۵		نوجوانان با رفتار ضداجتماعی n=۳۵		گروهها شاخصها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
N.S.	۰/۴۹۳	۰/۶۱	۲/۸۴	۰/۸۸	۲/۹۳	پرخاشگری فیزیکی
N.S.	-۰/۲۶۰	۰/۶۱	۳/۱۶	۰/۸۰	۳/۱۲	خصومت
*** ۰/۰۰۰	۴/۱۵۴	۰/۵۷	۳/۰۴	۰/۴۴	۲/۶۳	خشم
* ۰/۰۴۹	۲/۰۴۷	۰/۵۴	۳/۲۱	۰/۴۲	۳/۰۲	پرخاشگری کلامی
** ۰/۰۰۱	۳/۵۰۳	۰/۴۰	۳/۱	۰/۴۳	۲/۹	مجموع

\*\*\*p < ۰/۰۰۱    \*\*p < ۰/۰۱    \*p < ۰/۰۵



○ تحلیل چندگانه

به منظور پیش بینی متغیر ملاک مشارکت در رفتارهای ضداجتماعی و رفتارهای موافق اجتماعی، تحلیل رگرسیون لجستیک در دو مرحله (متغیرهای کنترل و اجتماعی - جمعیت شناختی در مرحله اول، و مؤلفه های متغیر پیش بین پرخاشگری در مرحله دوم) انجام شد. نتایج (جدول ۴) نشان می دهد که مجموع متغیرهای کنترل وارد شده در مرحله اول توانستند با مقدار ( $\chi^2 = 52.59, p < .001; Nag.R^2 = .704$ ) در صد از واریانس متغیر ملاک (مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی و فعالیتهای موافق اجتماعی) را تبیین کنند. از میان این متغیرها تنها میزان تحصیلات با مقدار: ( $B = .982; p < .001$ ) توانست متغیر ملاک را پیش بینی نماید. به بیان دیگر، این متغیر، تأثیر نیرومند بر احتمال اینکه افراد به رفتارهای موافق و مخالف اجتماعی روی بیاورند یا نه، داشتند. اما اثر متغیرهای: سن، ( $B = -.222; p < .05$ )، و سابقه پرخاشگری در خانواده ( $B = .909; p > .05$ ) قابل چشم پوشی بود. در مرحله دوم و با ورود متغیر پیش بین

جدول ۴- الگوی رگرسیون لجستیک برای پیش بینی رفتار ضداجتماعی

الگوها شاخصها متغیرهای کنترل	الگوی اول			الگوی دوم				
	ضرایب متغیرهای (B)	خطای معیار	آزمون والد	سطح معناداری	ضرایب متغیرهای (B)	خطای معیار	آزمون والد	سطح معناداری
سن	-.222	.361	.375	N.S.	-.459	.391	.37	N.S.
میزان تحصیلات (به سال)	.982	.225	.12	****	.1	.262	.65	****
سابقه رفتار ضداجتماعی در خانواده	.909	.857	.12	N.S.	.23	.1	.28	N.S.
پرخاشگری								
پرخاشگری فیزیکی					-1.17	.752	.23	N.S.
خصوصیت					.119	.689	.30	N.S.
خشم					.258	.12	.80	***
پرخاشگری کلامی					.454	.11	.166	N.S.
-2 Log Likelihood	44.44				37.48			
Nagelkerke	.704				.764			
R <sup>2</sup>								
$\chi^2$	52.59; p = ****				59.55; p = ****			
درصد پیش بینی صحیح	88.6				90.0			
فراوانی	70				70			

\*\*\*p < .001; \*\*p < .01; \*p < .05

اصلی، یعنی مؤلفه‌های پرخاشگری، این مؤلفه‌ها با مقدار ( $F(۷,۶۴) = ۰/۷۶۴$  Nag.R $\tau$ ;  $p < ۰/۰۰۱$ )، رگرسیون لجستیک در مرحله اول و با متغیرهای کنترل توانسته است ۸۸/۶ درصد، و در مرحله دوم و با اضافه شدن مؤلفه‌های سازه پرخاشگری به مدل، ۹۰/۰ درصد از آزمودنی‌ها را به درستی طبقه بندی نماید.

### ● بحث و نتیجه گیری

○ مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اعتبار و توانایی «نظریه پالایش پرخاشگری» در تبیین علل مشارکت نوجوانان در رفتارها و فعالیتهای ضداجتماعی صورت گرفت. این نظریه، نیاز به تخلیه پرخاشگری و انرژی متراکم شده ناشی از احساسات پرخاشگرانه را دلیل عمده رفتارهای ضداجتماعی می‌داند و مشارکت در رفتار ضداجتماعی را مکانیسمی برای تخلیه هیجانی و انرژی تلقی می‌کند. براین اساس، فرض اساسی این مطالعه در راستای نظریه پالایش این بود که اگر نیاز به تخلیه پرخاشگری، علت مشارکت نوجوانان در فعالیتهای ضداجتماعی باشد پس نمره نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی بر روی مقیاس پرخاشگری باید بالاتر از نوجوانان با رفتارهای موافق اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، افراد با رفتار ضداجتماعی باید پرخاشگرتر از افراد با رفتار موافق اجتماعی باشد. اما نتایج این مطالعه مغایر با فرضیه پالایش بوده است.

○ نتایج مطالعه حاضر تفاوت معناداری را بین نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی و نوجوانان عادی از نظر میزان پرخاشگری به طور کلی و نیز مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی از سازه پرخاشگری نشان داد. لیکن برخلاف فرضیه پالایش، میانگین نمره نوجوانان عادی بر روی مقیاس پرخاشگری و نیز مؤلفه‌های خشم و پرخاشگری کلامی بالاتر از نوجوانان با رفتار ضداجتماعی بوده است. در حالی که نوجوانان عادی میانگین نمره ۳/۱ را بر روی مقیاس کلی پرخاشگری کسب کردند، این رقم برای نوجوانان با رفتار ضداجتماعی ۲/۹ بوده است. میانگین نمره نوجوانان عادی بر روی خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی نیز از نوجوانان با رفتار ضداجتماعی بالاتر بوده است. در حالی که میانگین نمره افراد عادی بر روی خرده مقیاسهای خشم و پرخاشگری کلامی به ترتیب ۳/۰۴ و ۳/۲۱ بود این ارقام برای افراد با رفتار ضداجتماعی به ترتیب ۲/۶۳ و ۳/۰۲ بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که ورود مؤلفه‌های پرخاشگری در الگوی دو مرحله‌ای رگرسیون لجستیک، بهبود اندکی در تبیین

واریانس متغیر مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی و یا فعالیتهای موافق اجتماعی و نیز در طبقه‌بندی آزمودنیها ایجاد نمود. این نتیجه، یافته‌های محققانی نظیر هارینگتون و همکاران (۱۹۹۱)، مک کورد (۱۹۹۱) و رایین و همکاران (۱۹۹۵) که معتقد به وجود رابطه بین پرخاشگری و ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی بودند را نقض می‌کند. همچنین نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های محققانی که دریافته بودند پرخاشگری متغیری نیرومند در پیش‌بینی رفتارهای ضداجتماعی است هماهنگ نیست. محققانی نظیر کهلبرگ و همکاران (۱۹۸۴) لابر و دیشن (۱۹۸۳)؛ راف و ویرت (۱۹۸۴)؛ فارینگتون (۱۹۹۱)؛ میلر-جانسون و همکاران (۱۹۹۹)؛ دابکین و همکاران (۱۹۹۵) و بویل و همکاران (۱۹۹۲) در مطالعات خود نشان داده بودند که پرخاشگری در دورهٔ طفولیت و نوجوانی، مشارکت بعدی افراد را در فعالیتهای ضداجتماعی پیش‌بینی می‌کند.

○ از سوی دیگر، نتایج مطالعه حاضر، با یافته‌های مطالعات آزمایشگاهی همخوانی دارد. نتایج این مطالعه یافته اولین مطالعه آزمایشی که توسط هورنبرگر (۱۹۵۹)، انجام شده بود را تأیید می‌کند. وی در آزمایش خود دریافته بود که شرکت در فعالیتهای ضداجتماعی نمی‌تواند پرخاشگری بعدی راکاهش دهد. این بدین معناست که ارتکاب رفتار ضداجتماعی نمی‌تواند ناشی از انگیزه افراد برای تخلیه پرخاشگری و انرژی باشد. یافته‌های این تحقیق همچنین نتایج مطالعات گین و کوآنتی (۱۹۷۷)؛ بوشمن و همکاران (۱۹۹۹)؛ تاوریس (۱۹۸۸)؛ و وارن و کورایچک (۱۹۸۱) را تأیید می‌کند. این محققان در مطالعات خود هیچ شاهدی درباره رابطه مشارکت در فعالیتهای ضداجتماعی و تخلیه پرخاشگری و انرژی نیافته بودند.

○ اگر چه ارزیابی دقیق نظریه پالایش در تبیین و پیش‌بینی رفتار ضداجتماعی نیازمند مطالعات بیشتر و بانمونه‌های گسترده‌تر است، اما نتایج پژوهش حاضر فرضیه‌های اساسی نظریه پالایش را دربارهٔ مشارکت نوجوانان در فعالیتهای ضداجتماعی به‌عنوان مکانیسمی برای تخلیه پرخاشگری و انرژی تأیید نکرده است. اگر فرضیه پالایش درست بود در این صورت می‌بایست نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی پرخاشگرتر از نوجوانان عادی باشند. در حالی که نتایج مطالعه حاضر، خلاف این فرضیه را نشان داد. یعنی نوجوانان با رفتار موافق اجتماعی در کل پرخاشگرتر از نوجوانان با رفتارهای ضداجتماعی بودند. در این ارتباط باید با محققانی نظیر همانگونه که گین و کوآنتی (۱۹۷۷) هم آواز بود که معتقدند افراد به احتمال قوی براساس تجربه در می‌یابند که تخلیهٔ خشم، کاهش پرخاشگری را بدنبال ندارد و لذا ارتکاب رفتارهای

ضداجتماعی از سوی آنان نباید ارتباطی به پرخاشگری داشته باشد. از سوی دیگر، براساس یافته‌های محققان، تخلیه پرخاشگری می‌تواند تحریک روانشناختی راکاهش دهد اما افراد باید خشم و پرخاشگری خود را مستقیماً در مقابل عامل عصبانی‌کننده ابراز دارند و همچنین باید باور داشته باشند که عامل عصبانی‌کننده، دست به تلافی نخواهد زد. از نظر آنان، چنین شرایطی درباره رفتارهای ضداجتماعی که فرد عمل‌کننده تنبیهات ناشی از ارتکاب آنها را پیش‌بینی می‌کند و در اکثر موارد نمی‌تواند رفتار ضداجتماعی خود را مستقیماً متوجه عامل آزارنده نماید مصداق ندارد (بوشمن و همکاران، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، مطابق با یافته‌های محققانی نظیر گراس (۲۰۰۲)، مانستید و فیشر (۲۰۰۰) کاهش خشم و پرخاشگری ارتباط نزدیکی با تنظیم و مهار هیجانی دارد اما در این راه، افراد تلاش می‌کنند تا با استفاده از راهبردهای مختلف شناختی و رفتاری خشم و پرخاشگری خود را تحت مهار درآورند. این بدین معناست که تنها راه تخلیه پرخاشگری، ارتکاب رفتار ضداجتماعی نیست. همچنین عامل فرهنگ در اتخاذ راهبردهای مهار و یا بروز هیجان‌ات و انرژی تعیین‌کننده است. همانگونه که بیانیه سویل درباره خشونت (۱۹۸۶) اعلام می‌دارد، پرخاشگری و شیوه‌های مهار و تخلیه آن به صورت ژنتیک برنامه‌ریزی نشده است بلکه تا حد زیادی تابع عوامل فرهنگی است. بنابراین می‌توان استدلال نمود که دست زدن به رفتار ضداجتماعی به مثابه یک راهبرد برای تخلیه پرخاشگری ممکن است در فرهنگ ما جایگاهی نداشته باشد.

○ اینکه چرا افراد عادی، براساس نتایج این مطالعه پرخاشگرتر از افراد با رفتارهای ضداجتماعی بودند، و پرخاشگری، نقشی در ارتکاب افراد به رفتارهای ضداجتماعی نداشت، احتمالاً باید به تبیین‌ها و نظریه‌های مختلف دیگر با تمرکز بر مفاهیم و متغیرهای دیگر روانشناختی نظیر تیپ شخصیتی، عزت نفس، جاذبه درونی، بوم پویایی (بامیستر و کمپبل، ۱۹۹۹) مراجعه کرد. افزون بر این، نقش متغیرهای جامعه‌شناختی نظیر «انتقال فرهنگی» (ساترلند، ۱۹۷۷)، «فشارهای ساختاری» (مرتون، ۱۹۶۸)، «نارسایی در مهاراجتماعی» (هیرسچی، ۱۹۶۹)، ارتکاب انحرافات اولیه و سپس انحراف ثانویه و پذیرش برجسب منحرف (لمرت، ۱۹۶۷؛ بکر، ۱۹۶۳) را نیز نباید نادیده گرفت.

□ از معاونت پژوهشی اداره کل زندان‌های استان یزد که در امر جمع‌آوری داده‌های این تحقیق به محقق یاری رساندند سپاسگزاری می‌شود.

○ ○ ○

## یادداشت‌ها

- 1- oppositional defiant disorder(ODC)
- 2- conduct disorder(CD)
- 3- disruptive behaviour disorder(OBD)
- 4- hysteria
- 5- hydraulic model of anger
- 6- Buss Perry Aggression Scale (BPAS)
- 7- Seville Statement of Violence

## منابع

- American Psychiatric Association, (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fourth edition*. American Psychiatric Association, Washington, DC.
- Bandura, A. (1973). *Aggression: A Social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Baron, R. A.; & Richardson, D. R. (1994). *Human aggression* (2<sup>nd</sup> ed.). New York: Plenum Press.
- Baumeister, R.; & Campbell, W. (1999). The intrinsic appeal of evil: Sadism, sensational thrills, and threatened egotism. *Journal of Personality & Social Psychology Review* 3, 210-221.
- Becker, H. S. (1963). *Outsiders: Studies in the sociology of deviance*. New York: Free Press.
- Boyle, M.; Offord, D.; Racine, Y.; Szatmari, P.; Fleming, J.; & Links, P. (1992). Predicting substance abuse in late adolescence: Results from the Ontario Child Health Study follow-up. *American Journal of Psychiatry*, 149, 761-767.
- Bushman, B. J. (2002). Does venting anger feed or extinguish the flame? Catharsis, rumination, distraction, anger, and aggressive responding. *Journal of Personality & Social Psychology Bulletin*, 28(6), 724-731.
- Bushman, B. J.; Baumeister, R. F.; & Stack, A. D. (1999). Catharsis, aggression, and persuasive influence: Self-fulfilling or self-defeating prophecies?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, (3) 367-376.
- Buss, A. H.; & Perry, M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality Social Psychology*, 63, 452-459.
- Deptula, D. P.; & Cohen, R. (2004). Aggressive, rejected, and delinquent children and adolescents: A comparison of their friendships. *Journal of Aggression and Violent Behavior*, 9, 75-104.
- Dill, K. E.; & Dill, J. C. (1998). Video game violence: A review of the empirical literature. *Journal of Aggression and Violent Behavior*, 3 (4), 404-428.
- Dobkin, P. L.; Tremblay, R. E.; Masse, L. C.; & Vitaro, F. (1995). Individual and peer characteristics in predicting boys' early onset of substance abuse: A seven-year longitudinal study. *Journal of Child Development*, 66, 1198-1214.

- Dollard, J.; Miller, N.; Doob, L.; Mowrer, O.; & Sears, R. (1939). *Frustration and aggression*. New Haven: Yale Univ. Press.
- Duncan, O. D.; Reiss, A. J.; Hott, P. K.; & Notth, C. C. (1961). *Occupation social status*. Glencoe, IL: Free Press.
- Farrington, D. P.; Loeber, R.; Elliott, D. S.; Hawkins, D.; Kandel, D. B.; Klein, M. W.; McCord, J.; Rowe, D. C.; & Tremblay, R. E. (1990). Advancing knowledge about the onset of delinquency and crime. In B. B. Lahey, & A. E. Kazdin (Eds.), *Advances in clinical child psychology*, 13, 283-342. New York: Plenum.
- Geen, R. G.; & Quanty, M. B. (1977). The catharsis of aggression: An evaluation of a hypothesis. In L. Berkowitz (Ed.), *Advances in experimental social psychology*, 10, 1-37. New York: Academic Press.
- Gross, J. J. (2002). Emotion regulation: Affective, cognitive, and social consequences. *Journal of Psychophysiology*, 39, 281-291.
- Harrington, R.; Fudge, H.; Rutter, M.; Pickles, A.; & Hill, J. (1991). Adult outcome of childhood and adolescent depression: I. Links with antisocial disorder. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 30, 434-439.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, Calif. University of California Press.
- Hollingshead, A. B. (1971). Commentary on the indiscriminate state of social class measurement. *Journal of Social Forces*, 49, 563-67.
- Hornberger, R. H. (1959). The differential reduction of aggressive responses as a function of interpolated activities. *Journal of American Psychologist*, 14, 354.
- Kohlberg, L.; Ricks, D.; & Snarey, J. (1984). Childhood development as a predictor of adaptation in adulthood. *Genetic Psychology Monographs*, 110, 91-172.
- Kupersmidt, J. B.; & Patterson, C. J. (1991). Childhood peer rejection, aggression, withdrawal, and perceived competence as predictors of self-reported behavior problems in preadolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 19, 427-449.
- Lemert, E. M. (1967). *Human deviance, social problems, and social control*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall.
- Loeber, R.; & Dishion, T. (1983). Early predictors of male delinquency: A review. *Journal of Psychological Bulletin*, 94, 68-99.
- Lorenz, K. (1966). *On aggression*. NY: Harcourt Brace Jovanovich.
- Manstead, A.; & Fischer, A. H. (2000). Emotion regulation in full. *Journal of Psychological Inquiry*,

11, 188-191.

- Maxwell, J. P. (2004). Anger rumination: An antecedent of athlete aggression?. *Journal of Psychology of Sport Exercise*, 5, 279-289.
- McCord, J. (1991). Questioning the value of punishment. *Journal of Social Problems*, 38(2), 167-179.
- Merton, R. K. (1968). *Social theory and social structure*. 2<sup>nd</sup>ed. New York: Free Press.
- Miller-Johnson, S.; Coie, J. D.; Maumary-Gremaud, A.; Lockman, J.; & Terry, R. (1999). Relationship between childhood peer rejection and aggression and adolescent delinquency severity and type among African American youth. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 7, 137-146.
- Plomin, R.; Nit K.; & Rowe, D. C. (1990). Behavioral genetics and aggressive behavior in childhood. In: Lewis, M.; & Miller, S. M. (Eds.), *Handbook of developmental Psychopathology*. Plenum, New York, 119-133.
- Roff, J. D.; & Wirt, R. D. (1984). Childhood aggression and social adjustment as antecedents of delinquency. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 12, 111-126.
- Rubin, K. H.; Chen, X.; McDougall, P.; Bowker, A.; & McKinnon, J. (1995). The Waterloo Longitudinal Project: Predicting internalizing and externalizing problems in adolescence. *Journal of Development and Psychopathology*, 7, 751-764.
- Seville Statement on Violence (1986). <http://www.unesco.org/humanrights/hrfv.htm>
- Sutherland, N. S. (1977). *Breakdown*. Briarcliff Manor, NY: Stein & Day.
- Tavris, C. (1988). Beyond cartoon killings: Comments on two overlooked effects of television In S. Oskamp (Ed.), *Television as a social issue (189-197)*. Newbury Park, CA: Sage.
- Warner, W. L.; Meeker, M.; & Eells, K. (1949). *Social class in American*: Chicago: Social Research Association.
- Warren, R.; & Kurlychek, R. T. (1981). Treatment of maladaptive anger and aggression: Catharsis vs behavior therapy. *Corrective and Social Psychiatry and Journal of Behavior Technology, Methods and Therapy*, 27, 135-139.
- Wegman, C. (1985). *Psychoanalysis and cognitive psychology*. Orlando, FL: Academic Press.
- West, D. J.; & Farrington, D. P. (1977). *The delinquent way of life: Third report of the Cambridge Study in delinquent development*. London: Heinemann Educational Books

○ ○ ○